نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی
سال ۱۶، زمستان ۹۸، شماره ۵۹
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۷۲ ـ ۴۹

Scientific Journal
ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
Vol. 16, Winter 2020, No. 58
Scientific Research Article

تبیین تأثیرات اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی بر مناسبات فرهنگی ج.ا.ایران و غرب در فضای پساانقلاب اسلامی

ابوالفضل علوی (کارگر ابرقویی)* / عبدالمطلب عبدالله**
عباسعلی رهبر*** / صالح حسن‌زاده****

چکیده

پرسشی که نگارندگان پژوهش حاضر کوشیده‌اند تا با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی بدان پاسخ دهند چنین ترتیب‌بندی شده است که تأثیرات اسلام‌هراسی بر مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و غرب در فضای پساانقلاب اسلامی چگونه ارزیابی می‌گردد؟ فرضیه‌ای که از مَعبر پرسش فوق مطرح می‌شود آن است که پدیده اسلام‌هراسی، در بُعدفرهنگی طی سالیان و حتی دهه‌های اخیر در یک پیشروی خزنده و آرام، از شاکله محدود و غیررسمی خود خارج شده و به شکلی هدفمند در چارچوب‌های رسمی و قانونی در سه سطحِ کلی تَجَسُم یافته است: ۱. در سطح دولت: به شکل تصمیم‌گیری در اتاق فکرهای ایجاد شده؛ ۲. سطح فضای عمومی جامعه: به‌صورت خشونت‌های کلامی و فیزیکی و همچنین به شکل تبعیض در حقوق شهروندی؛ و ۳. سطح رسانه‌ای: به‌صورت انگاره‌سازی منفی.

واژگان کلیدی

اسلام هراسی فرهنگی، غرب، جمهوری اسلامی ایران، ۱۱ سپتامبر، انقلاب اسلامی.

---

*. دانشجوی دکتری گرایش انقلاب اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی. akargar2007@gmail.com
**. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی. Abdollah_ab@yahoo.com
***. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی. aa.rahbar@atu.ac.ir
****. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی. hasanzadeh@atu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۴

۱. جُستارگشایی

ازجملـه رونـدهای کنـونی نظـام بـین‌الملـل، رویـارویی جهـان اسـلام و تمـدن غربـی در پرتـو پدیـده «اسـلام‌هراسـی»[1] اسـت کـه بـر پایـه‌هـای نظـری، مفهـومی و ایـدئولوژیکی پیچیـده‌ای (Marranci, 2004: 67) همچـون: «شـرق‌شناسـی»،[2] «برخـورد تمـدن‌هـا»،[3] «نژادپرسـتی»[4] و «چندفرهنگ‌گرایی»[5] استوار است. (Faimau, 2015: 634) در همین راستا می‌توان اظهار داشت که ۱. تقویت گروه‌های مقاومت در حوزه راهبردی غرب آسیا؛ ۲. رشـد جریـان‌هـای سَـلَفی ـ تکفیـری؛ ۳. گسترش گرایش‌های راستِ افراطی و مسیحی در جغرافیای غرب (آجیلی و قاسـمی، ۱۳۹۴: ۱۲۶) و همچنین ۴. وقوع انقلاب اسلامی در ایران به‌عنـوان تحـولی بـزرگ در کـانون جغرافیـایی جوامـع شیعی، ازجمله مهم‌ترین دلایل ایجاد اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی از جانب تمدن غربی است.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایـران ۱۹۷۹ / ۱۳۵۷، غـرب کوشـید تـا طـی سـه مرحلـه، ضـربات سهمگینی را بر پیکره انقلاب مردمـی در ایـران و اندیشـه برخواسـته از آن وارد آورد: ۱. مرحلـه اول «ایران‌هراسی»[6] بود. این راهبرد پس از انقلاب و تسخیر سفارت ایالات متحده و بـه‌ویـژه بـا فتـوای تاریخی امام خمینی مبنی بـر اِرتـداد «سـلمان رشـدی»[7] کلیـد خـورد؛ ۲. مرحلـه دوم تحـت‌عنـوان اسلام‌ستیزی مطرح شد که به فروپاشی شوروی سابق و افول کمونیسم بازمی‌گردد؛ در همـین راسـتا تمدن غرب با طرح نظریاتی همچون «برخورد تمدن‌ها»[8] از سوی «ساموئل هانتینگتون»[9] و همچنین «پایان تاریخ»[10] از جانب «فرانسیس فوکویاما»،[11] جهان اسلام را به‌عنوان قدرتمندترین مکتب و مرام در مقابل خود معرفی کرد؛ ۳. مرحله سومِ پروژه مورد اشاره به حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ مربوط است که حمله به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی به مسلمانان منتسب داده شد. (علـی پور و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۶) با توجه به مواردی پیش‌گفته نگارندگان پژوهش پیش‌رو کوشیده‌اند تـا بـا تأسی از نظریات و آراء «لاکلائو»[12] و «موفه»،[13] مقوله اسلام‌هراسی فرهنگی که از غرب نَضَج یافتـه است را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و متعاقباً به این پرسـش کلیـدی پاسـخ دهنـد کـه تـأثیرات

1. Islamophobia.
2. Orientalism.
3. Clash of Civilisations.
4. Cultural Racism.
5. Multiculturalism.
6. Iranophobia.
7. Salman Rushdie.
8. Clash of Civilization.
9. Samuel Huntington.
10. End of history.
11. Francis Fukuyama.
12. Laclau.
13. Mouffe.

اسلام‌هراسی بر مناسبات فرهنگِ جمهوری اسلامی ایـران و غـرب در فضـای پسـاانقلاب اسـلامی چگونه ارزیابی می‌گردد؟ در راستای بسط انگاره‌ها و فرضیات پـژوهش، کوشـش شـده اسـت ضـمن تحلیل گفتمانِ غرب در رابطه با اسلام‌هراسی، به ریشه‌های تاریخی پدیده مـورد اشـاره گریـزی زده شود و سیاست‌های غرب را در رابطه با اسلام‌ستیزی فرهنگی در سه سـطحِ دولـت، فضـای عمـومی جامعه و همچنین سطح رسانه‌ای مورد مداقه قرار دهند.

۲. تعریف مفاهیم

پیش از طرحِ بحثِ پژوهش کوشش شده است تا مفاهیمی همچون: اسلام‌هراسـی، ایـران‌هراسـی و همچنین گفتمان به‌عنوان مهم‌ترین مفاهیم پژوهش تعریف و تبیین گردند:

اسلام‌هراسی: اسلام‌هراسی مفهومی است که به پیش‌داوری و تبعیضِ غیرعقلانی در قبال مسـلمانان اشاره دارد. (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۸۱) اسلام‌هراسی در خود این مفهوم را بـه همـراه دارد کـه اسـلام فاقد ارزشِ مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست و اینکه در مقایسه با فرهنگ غرب در مـوقعیتی فرودسـت قـرار دارد و بیشتر یک ایدئولوژی است تا یک دین. اسلام‌هراسی پدیده‌ای است که به‌طور سازمان‌یافته از سـوی بخشی از محافل تصمیم‌گیری سیاسی ـ فرهنگی در غرب برای مقابله با اسلام طراحـی شـده اسـت و بـا استفاده از ابزار رسانه در اَشکال مختلف و سُطوح گوناگون اِعمال می‌شود. (عیوضی و حسینی، ۱۳۹۶: ۷۹)

ایران‌هراسـی: ایـران‌هراسـی پـروژه‌ای راهبـردی اسـت کـه براسـاس آن، جمهـوری اسـلامی ایران به‌عنوان تهدیدی بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای صـلح و امنیـت جهـانی مطـرح و به‌عنوان یک متغییر مزاحم و بازیگر اِخلال‌آفرین در نظام بـین‌الملـل بـه تصـویر کشـیده مـی‌شـود. (Nakhleh, 2009: 14) برخی از اندیشمندان امر پدیده ایران‌هراسی را بیش از هـر عامـل دیگـری ناشی از استقلال‌طلبی جمهوری اسلامی ایران از ایالات متحده مـی‌داننـد. (Wood, 2012: 90) در همین رابطه «جیمز بیل»[1] اظهار می‌دارد:

> امریکا سعی دارد تا از ظهور هژمون‌های استقلال‌طلبِ منطقه‌ای ممانعت کند. هرچه رفتار آنها (جمهوری اسلامی ایران) مستقل‌تر باشد، ایالات متحده فشار بیشـتری را بر آنها اِعمال خواهد کرد. بنابراین، واشنگتن ازآن‌رو به موج ایران‌هراسی در منطقه و جهان دامن می‌زند که تهران سعی دارد مسـتقل از هژمـونِ جهـانی رفتـار کـرده و جهان‌بینی آنها بسیار متفاوت با ابرقدرت جهانی است. (Bill, 2001: 54)

1. James Bale.

گفتمان:

از مفهوم گفتمان تقریرهای متعددی از جانب نظریه‌پردازان پساساختارگرا شده است. دراین‌میان نگرش‌های تبارشناسانه «میشل فوکو»[1] فیلسوف شهیر فرانسوی به مبحث گفتمان از اهمیت تحلیلی و نیز روش‌شناسانه بیشتری برخوردار است. وی گفتمان را نظام‌هایی از اندیشه و عمل (اظهارات و اعمال) معرفی می‌کند که با محوریت بخشیدن به یک ایده مرکزی، سلطه‌ای تازه و متفاوت را پدید می‌آورند و از رهگذر تداوم یافتن این سلطه که خصلتی هژمونیک دارد، زنجیره جدید از روابطِ قدرت «معتبر» و در درون گفتمان «مشروع» معرفی می‌گردد به طور خلاصه گفتمان مجموعه‌ای از روابط ناشی از دانش و عمل است که نوع خاص از مناسبات را در بستری هژمونیک معتبر و مشروع می‌نماید. (کیوان حسینی و محمدی کیا، ۱۳۹۶: ۱۲۴، Makaryk, 1993: 614)

۳. ادبیات پژوهش

با بررسی ادبیات موجود پیرامون جنبه‌های فرهنگی پدیده اسلام‌هراسی در میان آثار فارسی و انگلیسی، می‌توان چنین اظهار داشت که با وجود کثرت منابع در تجزیه و تحلیل وقایع، هیچ‌کدام از آثار نگارش‌شده، پدیده مزبور را از منظر فرهنگی مورد مداقه قرار نداده‌اند و اینکه تاکنون رویه غالب در آثار منتشر شده در ذیل مباحثی همچون: برخورد تمدن‌ها، نقد شرق‌شناسی و واضعان آن، تبعیض علیه مهاجرین مسلمان در غرب، تروریسم، اسلام سیاسی و واقعه ۱۱ سپتامبر قرار می‌گیرد. در مقام نقد منابع پیشین کتاب ***صنعت اسلام‌هراسی*** که به قلم «ناتان چمپن لین» نگارش و توسط «هفتادر و مرامی حاجی کندی» ترجمه شده در پی پاسخ به این پرسش محوری است که چگونه راست‌گرایان در غرب ترس از مسلمانان را تولید می‌کنند؟ در همین راستا نگارنده کوشیده است تا ضمن پاسخ به پرسش مطرح‌شده، شیوه‌ها و اهداف اسلام‌هراسی در ایالات متحده و کشورهای اروپایی را تشریح و تبیین نماید. ***بررسی پدیده اسلام‌هراسی و راهکارهای قرآنی مقابله با آن*** عنوان مقاله‌ای است که به قلم «زهرا علیزاده، اعظم اعتمادی فرد و میناسادات طباطبایی» به رشته تحریر درآمده است. نگارندگان در این مقاله ضمن بررسی پدیده اسلام‌هراسی و عوامل مؤثر بر رشد آن، راهکارهای قرآنی جهت مقابله با این پدیده و تخفیف آثار آن را بیان داشته‌اند. «عیوضی و فلاح حسینی» در مقاله خود تحت‌عنوان «اسلام‌هراسی و سناریوهای پیش روی آن» پرسش‌های مهمی همچون

1. Michelle Foucault.

سناریوهای آینده پیش روی اسلام‌هراسی چیست؟ چالش‌های سیاسی آینده ایران در منطقه چه مقاطعی را تا به امروز طی کرده است؟ و اینکه اسلام‌هراسی به‌عنوان یکی از چالش‌ها چه سناریوهایی را در منطقه پیش رو دارد؟ را مطرح کرده‌اند. در آثار مشابه خارجی نیز بنا بر مطالعات انجام‌شده مشخص گردید که مؤسسه بروکینگز و شورای روابط خارجی امریکا با همکاری جمعی از متخصصینِ امریکایی غرب آسیا، در تحقیقی تحت‌عنوان «احیای موازنه» در راستای گفتمان ایران‌هراسی، از جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک تهدید بزرگ و کشوری استیلاطلب نام برده و توصیه‌هایی برای ممانعت از استیلای آن را ارائه کرده‌اند. (Hass & Indyk: 2009)

۴. سپهر نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش، به‌مثابه پشتوانه تئوریکِ موضوع مورد تدقیق، بهره‌گیری از نظریات و آرای لاکلائو و موفه در رابطه با مقوله تحلیل گفتمان است. ایشان با استفاده از زبان‌شناسی سوسور، گفتمان را مجموعه‌ای از نشانه‌های مفصل‌بندی‌شده و پیوندیافته تعریف می‌کنند. (ناظمی اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷: ۶۳) از نظر ایشان، گفتمان، یک منظومه معنایی است که واژه‌ها و نشانه‌های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه‌ای معنادار را می‌آفرینند. در این نظریه، مفهوم گفتمان، مجموعه‌ای گسترده از داده‌های زبانی و غیرزبانی (نوشتارها، سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، سازمان‌ها و نهادها) را در برمی‌گیرد و آنها را مانند زبان تحلیل می‌کند؛ بنابراین، گفتمان تنها به معنای گزاره‌های زبانی نیست؛ مثلاً صندوق رأی در گفتمان لیبرال دموکراسی و مفهوم حجاب در گفتمان اسلامِ سیاسی را می‌توان از پدیده‌های گفتمانی به‌شمار آورد. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۳) در تحلیل گفتمان، مبارزه برای دستیابی به هژمونی از طریق پروژه‌های سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ عمده دلیل تأکید بر راهبرد سیاسی آن است که رفتارهای استیلاجویانه در فرآیندهای سیاسی به‌نوبه خود از اهمیتی زیادی برخوردار هستند و فرآیندهای سیاسی نیز متقابلاً برای شکل‌گیری و انحلال گفتمان‌ها اهمیتی حیاتی را احراز نموده‌اند. (Laclau, 1990: 60) ارنستو لاکلائو اعمال هژمونیک که تلاش پروژه‌های سیاسی برای تثبیت گفتمان‌های محدود و معین است را دارای دو پیش‌شرط کلی می‌داند: نخست وجود خصومت[1] و نیروهای متخاصم و دوم بی‌ثباتی مرزهایی که این نیروها را متمایز می‌کنند. ازاین‌رو به نظر وی زمینه اعمال هژمونیک حوزه اجتماعی خصمانه و پروژه‌های مختلفی است که با هم در نزاع و رقابت‌اند و عناصری که می‌توانند جذب و

1. Antagonism.

مفصل‌بندی شوند. (صالحی نجف‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۹) متأثر از مطالب فوق و در جهت فهم بنیان تئوریک پژوهش در ادامه و به فراخور مهم‌ترین گزاره‌های مدنظر لاکلائو و موفه که شامل مفصل‌بندی، دال و مدلول، دال مرکزی، دال شناور و ضدیت و غیریت است را از نظر گذرانده‌ایم:

الف) مفصل‌بندی[1]

کُنشی که میان عناصر مختلف (مفاهیم، دال‌ها و نمادها) چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده و هویتی جدید بیابند. از این‌رو، هویت یک گفتمان در اثر رابطه‌ای شکل می‌گیرد که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به‌وجود می‌آید. در فرآیند مفصل‌بندی، گفتمان‌ها دال‌های شناور در عرصه اجتماع را همانند قطعات به‌هم‌ریخته پازل به‌گونه‌ای کنار هم می‌چینند که معنایی همه فهم و تصویری روشن از نظام سیاسی ـ اجتماعی به دست دهد. (کسرایی، ۱۳۹۰: ۲۳۰)

ب) دال و مدلول[2]

مفاهیم مزبور در نظریه لاکلائو و موفه نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. دال‌ها اشخاص و مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب گفتمانی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که شخص با دیدن آن دال موردنظر را می‌تواند به خوبی معنا نماید. (فلاحی، ۱۳۹۴: ۸۸)

پ) دال مرکزی[3]

دالِ مرکزی نقطه کلیدی و هویت‌بخش در یک گفتمان است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و با هم مفصل‌بندی می‌شوند. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷) به دیگر بیان، دال مرکزی مانند یک عمود برای چادر است که اگر برداشته شود، چادر فرو می‌ریزد (Dabirimehr & Tabatabaei, 2014: 1284) بنا بر این تعریف، اسلامِ سیاسی، گفتمانی است که اسلام را در کانون هویت و عمل سیاسی قرار داده و در مقابل گفتمان سکولار و لیبرالی صف‌آرایی کرده است.

ت) دال شناور[4]

نظریه گفتمان آن عنصرهایی را که بر روی انتساب معانی گوناگون باز است را دال‌های شناور یا

1. Articulation.
2. Signifier & Signified.
3. Nodal Point.
4. Floating Signifier.

سیال می‌نامد. (Laclau, 1990: 28) دال شناور، نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به آنها به شیوه خاص خود معنا بخشند، گفتمان‌هایی که بتوانند با جذب این دال‌ها به ابهام و خلأ معنایی موجود پایان بخشند و در دسترس عاملان اجتماعی قرار گیرند و امکان هژمونیک شدن آنها فرآهم می‌شود. (خواجه‌سروی و رحمنی، ۱۳۹۲: ۱۲۹)

ث) ضدیت[1] و غیریت[2]

فهم نظریه گفتمان اساساً بدون مفاهیم ضدیت و غیریت امکان‌پذیر نیست. هر گفتمانی ضرورتاً به گفتمان رقیب دیگر نیاز دارد تا به‌واسطه آن هویت یابد. هیچ جامعه یکدستی را نمی‌توان متصور شد که در آن فقط یک گفتمان یا تنها یک نوع جهان‌بینی و طرز تفکر حاکم باشد. هر گفتمانی به منظور هویت یافتن، به ناچار شروع به تولید دشمن برای خود می‌کند. البته گاه گفتمان‌ها بیش از یک غیر دارند و مجموعه‌ای از غیریت‌ها برای هویت‌یابی در شرایط مختلف استفاده می‌کنند. (دارا و کرمی، ۱۳۹۲: ۱۰۷) ازاین‌رو می‌توان بین غیرخارجی و غیرداخلی تمایز قائل شد. شایان ذکر است که ایجاد غیریت‌سازی از سه جهت برای نظریه گفتمان اهمیت محوری دارد: اولاً خلق رابطه غیریت‌سازانه که همواره شامل تولید دشمن یا دیگری است که برای تأسیس مرزهای سیاسی دارای اهمیت بسزایی است؛ ثانیاً تشکیل روابط غیریت‌سازانه و ثبیت مرزهای سیاسی، برای تثبیت جزئی هویت‌های گفتمانی و عاملان اجتماعی اهمیت اساسی دارد؛ ثالثاً آزمودن غیریت‌سازی مثال خوبی است برای نشان دادن محتمل‌الوقوع بودن هویت. (مشهودی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۷)

انقلاب اسلامی غیریت خود را گفتمان لیبرالییسم یا لیبرال دموکراسی غرب قرار داده است. به تعبیر دیگر امام خمینی با بازتعریف گفتمان اسلام سیاسی و شیعی در قالب گفتمان اسلام ناب محمدی، از منازعه خُرده گفتمان‌ها در درون جهان اسلام ممانعت و رقیب هویتی و گفتمانی خود را غرب قرار داد. همچنین گفتمان غرب نیز برای پویایی نیاز به گفتمان رقیب دارد که قبلاً این رقیب سوسیالیسم بود؛ اما با فروپاشی آن، گفتمان اسلام سیاسی جایگزین آن شد.

بنابر مطالبی که از نظر گذشت می‌توان چنین اظهار داشت که تئوری لاکلائو و موفه، نظریه‌ای منسجم است که ابزارِ تحلیلی مناسبی برای تحلیل پدیده‌های سیاسی ـ اجتماعی در سطح کلان را فراهم می‌کند. این نظریه به‌دلیل تأکید بر هویت به‌عنوان یک مدل مطلوب، سیاستِ فرهنگی برای جامعه‌شناسی جدید، شناخته شده است. (نش، ۱۳۸۴: ۴۷) در این نظریه هویت درنتیجه تنازع

1. Antagonism.
2. Otherness.

گفتمانی شکل می‌گیرد. البته این امر محصول پیروزی یک گفتمان است که لازمه این غلبه و پیروزی نیز قابلیت دسترسی یعنی در دسترس بودن در موقعیتی است که هیچ گفتمان دیگری خود را به‌عنوان جایگزین آن نشان ندهد. (امیدی و احمدی نژاد، ۱۳۹۷: ۲۶) به این ترتیب مرزهای یک گفتمان و انسجام آن بازتابی از خصلت‌های درونی آن نیست، بلکه دال‌های گفتمانی یک گفتمان در جریان تنازع با دال‌های بدیلی که آنها را تهدید می‌کنند، برساخته می‌شوند. (صادقی فسایی و روزخوش، ۱۳۹۲: ۲)

۵. تبیین چگونگی هژمونیک شدن هرسه هراسی فرهنگی در غرب (مدل پژوهش)

اسلام هراسی و ایران‌هراسی به‌عنوان یکی از راهبردی‌ترین موضوعات جهان غرب به تنهایی نَضَج‌یافته از دُکترین برخورد تمدن‌ها نیست؛ بلکه در یک بستر طولانی تاریخی شکل گرفته و پرورش یافته است. گرچه تئوری «ناهمگونی تمدن‌ها»[1] از سوی «ریمون آرون»[2] جامعه‌شناس فرانسوی، یا «برخورد فرهنگ‌ها»[3] توسط «برنارد لویس»[4] شرق‌شناسِ معروف و اثرگذارترین آنها یعنی «برخورد تمدن‌ها» از جانب «ساموئل هانتینگتون» در شکل‌گیری پدیده اسلام‌هراسی تأثیراتی عمده‌ای داشته‌اند، اما به واقع «دیگر بودگی»[5] مسلمین از نظر مسیحیان و برترانگاری خود که ریشه در آموزه‌های کلیسا دارد، عامل اصلی اسلام‌هراسی غربی‌هاست. (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۱۲۳) در همین رابطه «میلتون ادواردز»[6] چنین مطرح کرده است که اسلام‌هراسی یک روند تاریخی همواره ثابت و حاضر از دوران جنگ‌های صلیبی تاکنون بوده است. از نظر وی این حقیقت را می‌توان از طریق روایت‌های متعارض جاری میان جهان اسلام و تمدن غرب مشاهده کرد. (Edwards, 2002: 32) برخی دیگر همچون «دلوار حسین»[7] نیز ایده تکثر اسلام‌هراسی را مطرح کرده‌اند. (Hossein, 2004: 115) این در حالی است که برخی دیگر چنین مطرح کرده‌اند که پدیده ضدیت با مسلمانان، بومی فرهنگ غرب است که در پی حادثه ۱۱ سپتامبر به سطح اُپتیمیک رسیده و وخیم‌تر شده است. (شیرغلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۰۰) می‌توان گفت که این پدیده یک پدیده منسجم و واحد نیست و با داشتن ریشه و میراث تاریخی، پیامدهای این پدیده با شرایط و زمینه‌های معاصر ملی، فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی شکل داده می‌شود.

1. The heterogeneity of civilizations.
2. Ramon Aron.
3. Cultures in Conflict.
4. Bernard Lewis.
5. Otherness (West & Rest).
6. Milton Edwards.
7. Delvar Hossein.

الف) گفتمان اسلام سیاسی به مثابه دِگَر هویت‌زا از نظر تمدن غرب

اسلام سیاسی گفتمانی است که به‌عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی در دهه ۱۳۲۰ / ۱۹۴۲ مطرح شد و در قیام ۱۳۴۲ / ۱۹۶۴ تجلی پیدا کرد و خواستار حکومت اسلامی براساس اصول اسلامی شد و بر تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید نمود. گفتمان اسلامی در ضدیت با گفتمان ملی‌گرایی رادیکال و سکولارِ دوران پهلوی و هژمونی کمونیسم و لیبرالیسم غیریت‌سازی کرده است و مشکل جامعه معاصرِ ایران و جهان را دوری از دین و معنویت می‌داند و برخلاف تمام گفتمان‌هایی است که اعتقادی به ادغام دین و سیاست ندارند. بنابراین گفتمان اسلام سیاسی می‌کوشد با تکیه بر دین به رقابت خود با گفتمان لیبرال دموکراتیک ادامه دهد؛ چراکه این دو گفتمان خصلتی آشتی‌ناپذیر دارند. نه دموکراسی غربی با اسلام سیاسی فقاهتی سازگار است و نه بسیاری از مواد و اعلامیه حقوق بشر در چارچوب گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی می‌گنجد و نه پذیرش آزادی‌های متنوع غربی در چارچوب اسلام‌گرایی ممکن است. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۵۳) در همین رابطه مفصل‌بندی دال مرکزی و دال شناورِ برخواسته از گفتمان اسلام سیاسی را می‌توان شامل مواردی همچون: استقلال‌طلبی، استکبارستیزی، مقاومت در برابر سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ، آزادی، عدالت، جهاد، ایثار، شهادت، حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان، پیوند دین و دنیا، دولت دینی، خدامحوری، امت‌محوری و همچنین معنویت‌خواهی دانست که منظومه کامل گفتمانی انقلاب اسلامی در ایران را هویت و معنا می‌بخشند.

ب) لیبرال دموکراسی به‌مثابه بنیان گفتمانی هرسه هراسی

لیبرال دموکراسی به‌عنوان دال مرکزی گفتمان لیبرالی ایالات متحده، پس از جنگ دوم جهانی در مقابل کمونیسم، هژمونیک شد. پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران ۱۳۵۷ / ۱۹۷۹، عواملی ازجمله پذیرش شاه توسط امریکا، پشتیبانی از اسرائیل، محرک بودن امریکا در شورش‌ها و توطئه‌های ماه‌های نخست انقلاب، محکومیت اعدام‌های انقلابی از سوی سنای امریکا به‌نوبه خود موجب اعتراض ملت ایران و طرح تمام گرفتاری، دشمن اول، شعار مرگ بر امریکا و طرح روز جهانی قدس توسط امام و ملت در سال ۱۳۵۸ / ۱۹۸۰ شد.

شایان ذکر است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گفتمان اسلام سیاسی تحت‌فشار حمله نظامی و تبلیغاتی کشورهای لیبرال دموکرات قرار گرفت و در عمل به تنها گفتمان سیاسی رقیب و دشمن گفتمان جهانی‌شده لیبرال دموکراسی تبدیل شد. دموکراسی، حقوق بشر و آزادی و برابری ازجمله مفاهیم مورد منازعه‌ای هستند که گفتمان لیبرال ـ دموکراسی با مبنایی سکولار و

اومانیستی در تثبیت آنها مـی‌کوشـد و در ایـن راه از پشـتیبانی سـازمان‌هـا و مجـامع بـین‌المللـی و کشورهای قدرتمند برخوردار است. (خداپرست و اندرزیان، ۱۳۹۷: ۱۹۰)

در نگاهی کلی مفصل‌بندی دال مرکزی و شناور گفتمان لیبرال دموکراسی در راستای ایـران‌هراسـی و اسلام‌هراسی را می‌توان شامل مواردی همچون: القای دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای؛ حمایـت از تروریسم؛ نقض حقوق بشر در ایران؛ القای تهاجمی بودن فناوری‌های دفاعی ایران؛ دخالت جمهوری اسلامی در امور دیگر کشورها؛ حاکم بودن اسلام سیاسی در ایران؛ القای مخالفت ایـران بـا صـلح و ثبات منطقه ای؛ معرفی ایران به‌عنوان محور و کانون شرارت در جهان؛ گسترش ایدئولوژی‌های خیر و شرگونه نظیر نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون؛ هراس از گسترش ایـدئولوژی اسـلام سیاسـی؛ مشروعیت‌بخشی هوشمندانه دولت‌های غربی به دشمنی ضداسلام و مسلمانان و نادیده گرفتن حقوق مسلمانان و هراس از گسترش اسلام و اسلامی شدن اروپا دانست. متأثر از موارد فوق، در ادامه و بـه فراخور با تأسی از نظریات لاکلائو و موفه که بر دو عامل کنشـگران سیاسـی و قابلیـت دسترسـی و اعتبار نقش اساسی در برتـری و هژمونیـک شـدن هـر گفتمـان تأکیـد دارنـد، کـم و کیـف جریـان اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را در غرب مورد مداقه قرار خواهیم داد:

۶. عاملان و کارگزاران سیاسی[1] به‌مثابه موتور محرک پروژه هرسه هراسی

از نگاه لاکلائو و موفه نقـش عـاملان سیاسـی بـه‌مثابـه سـوژه بایـد در چـارچوب نظریـه گفتمـان تحت‌عنوان موقعیت‌های «سوژگی»[2] موردتوجه قـرار گیـرد. ایشـان همچـون فوکـو خصـلت ماقبـل گفتمانی سوژه را نفی می‌کنند و نقش سازنده‌ای را که عقل‌گرایی و تجربـه‌گرایـی بـه افـراد انسـانی می‌دهد را نمی‌پذیرند. (Laclau, 2002: 140) ایشان بـه لحـاظ شـمولیت از منطـق‌هـای پایـداری همچون دال مرکزی، غیریت‌سازی، منطق‌های هم‌ارزی و تفاوت، نقـش اساسـی عـاملان سیاسـی و مکانیسم‌های حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی تبعیت می‌کند.

با بررسی‌هایی که در باب اسلام‌هراسی فرهنگی در غرب انجام شده، مشخص گردیـده اسـت که اتاق فکرهای ایجادشده از جانب ایشان، از مؤلفه‌های فوق تبعیت می‌کننـد. در مقـام کنکـاش ماهیت اتاق فکرهای ایجادشده باید گفت که ایشان عمدتاً شخصیت پیامبر اسلام و قرآن را مـورد هجمه شدید قرار داده‌اند؛ زیرا به‌خوبی دریافته‌اند که در جهت تکوین و ترویج اسلام‌هراسی باید بر دال مرکزی اسلام تمرکز کرد و از این‌رو بیشتر تلاش‌ها در راستای توهین به حضرت محمدﷺ و

1. Political Subjectivity.
2. Subject Positions.

کتاب آسمانی مسلمانان انجام می‌شود.

این نهادها عامدانه می‌کوشند از طریق سخنرانی، انتشار فیلم، کاریکاتور، مقاله و کتاب به دال مرکزی مسلمانان حمله کنند و تلاش دارند افکار عمومی و سیاستمداران غربی را متوجه این نکته کنند که کانون‌های هویت‌بخش و دال مرکزی مسلمانان از مشروعیت برخوردار نیستند و اسلام در ذات خود دارای مشکل است. در همین راستا در ادامه چند نمونه از «اتاق فکرهای»[1] غربی را به‌عنوان مهم‌ترین دولت‌های اسلام‌ستیز از نظر خواهیم گذراند.

الف) بنیاد آزادی دیوید هورویتز[2]

یکی از تأثیرگذارترین اتاق‌های فکر در ایالات متحده که در حوزه اسلام‌هراسی فعالیت گسترده‌ای دارد، بنیاد آزادی دیوید هورویتز است. در اساسنامه بنیاد عمده اهداف اعلانی مورد اشاره شامل موارد ذیل است: بنیاد دیوید هورویتز خود را وقف دفاع از جوامع آزادی می‌کند که بنیادهای اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی‌شان از جانب نیروهای سکولار و مذهبی در داخل ایالات متحده و خارج مورد حمله قرار گرفته‌اند. شایان ذکر است که دیوید هورویتز، فعال سیاسی و همکار قدیمی‌اش «پیتر آنتونی دال کولیر»[3] بنیان‌گذاران این مرکز هستند. بنیاد مزبور با دریافت کمک از سوی گروه‌هایی ازجمله «بنیاد اُلین»،[4] «برادلی»[5] و «سارا اسکایف»[6] تثبیت شد و دارای چندین وبلاگ و وب‌سایت مانند «مجله صفحه پیش‌رو»،[7] «محصلان برای آزادی آکادمیک»[8] و «دیده بان جهاد»[9] است. (آجیلی و قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۳۴)

ب) بنیاد رَند[10]

بنیاد رند، یک اتاق فکرِ غیرانتفاعی است که بر سیاست‌های جهانی تمرکز دارد و از سوی «داگلاس اِیرکرافت»[11] در راستای مشاوره و کمک‌های فکری به ارتش ایالات متحده در ۱۴ می ۱۹۴۸ / ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ پایه‌گذاری شد. در بخش مربوط به جمهوری اسلامی ایران، تحلیلگران مؤسسه رَند،

1. Think Thank.
2. The David Horowitz Freedom Center.
3. Peter Anthony Dale Collier.
4. Olin Foundation.
5. Bradly Foundation.
6. Sarah Scaife Foundation.
7. Front Page Magazine.
8. Students for Academic Freedom.
9. Jihad Watch.
10. RAND Corporation.
11. Douglas Aircraft Company.

در خصوص موضوعات متنوعی به مطالعه و تحقیق می‌پردازند. در سرتیتر مربوط به جمهوری اسلامی ایران نوشته شده است: بیش از ۳۰ سال پس از انقلاب ایران، فعالیت‌های سیاسی، نظامی و بین‌المللی این نظام برای به چالش طلبیدن و سردرگم کردن همسایگان و بسیاری از دموکراسی‌های غربی ادامه دارد. شایان ذکر است که مؤسسه مزبور بر سیاستمداران امریکایی در حوزه‌های گسترده‌ای از جنگ و آلودگی محیط زیست گرفته تا توانایی تهران برای سوءاستفاده از شرایط پان اسلامیسم و پیشرفتِ قابلیت‌های هسته‌ای‌اش نفوذ دارد. (آجیلی و قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۳۶)

ج) مرکز انسجام اجتماعی[1]

این مرکز در سال ۲۰۰۷ / ۱۳۸۶ و به‌عنوان کانون فعالیت اتاق فکر محافظه‌کاری در بریتانیا تحت‌عنوان «سیویتاس»[2] پایه‌ریزی شد. براساس آنچه در وب‌سایت این مؤسسه منتشر شده است، مرکز انسجام اجتماعی برای مقابله با تروریسم اسلامی، میزبان مهاجرت و چندفرهنگی تأسیس شده است و دراین‌بین، تروریسم اسلامی را عمده‌ترین تهدید برای جامعه بریتانیا خوانده است. (Mills et al, 2011: 15)

با مطالعه راهبردهای موجود در اتاق فکرهای پیش‌گفته می‌توان چنین اظهار داشت که ایشان در نخستین گام می‌کوشند تا غیریت‌سازی و دِگرآفرینی بین اسلام و مسحیت را در غرب پُررنگ کنند. در این چارچوب، هَجمه به پیامبر اسلام و قرآن کریم به‌عنوان دال مرکزی و محور هویت‌بخش مسلمانان در دستور کار اتاق‌های فکرِ غربی قرار دارد. ایشان پیامبر اسلام‌ﷺ را با عناوین توهین آمیزی خطاب کرده و وی را در مقابل حضرت مسیح‌ؑ و قرآن را نیز در تضاد با انجیل توصیف می‌کنند. در اینجا حمله به دال مرکزی اسلام با مؤلفه غیریت‌سازی تلفیق شده و دوگانه اسلام / مسیحیت، حضرت محمدﷺ / حضرت مسیح‌ؑ و قرآن / انجیل در گفتمان بازیگران اسلام‌هراسی صورت‌بندی می‌شود.

این بازیگران در گام بعدی، خشونت، ترور و نقض حقوق زنان، عقب‌ماندگی، خُرافه‌گرایی، غیرعقلانی بودن و دشمنی با اقلیت‌ها را شاخصه‌های اسلام؛ صلح، آرامش، قربانی ترور، آزادی زنان، پیشرفت و عقلانیت را از ویژگی‌های تمدن غرب معرفی می‌کنند. این شکاف‌ها و برجسته شدن مؤلفه غیریت‌سازی در رسانه‌ها و اتاق‌های فکر در ایالات متحده و انگلیس کاملاً مشهود است؛ برای مثال در کتاب‌هایی که از سوی بنیاد دیوید هورویتز منتشر شده، این دوانگاری و غیریت‌سازی به کرّات وجود دارد: اسلام، دین خشونت و مسیحیت دین صلح است؛ قانون اسلام، غیرمسلمانان را

1. The Center for Social Cohesion.
2. Civitas.

تهدید می‌کند، اسلام عامل نابودی ارزش‌های غرب است، غرب تکثرگراست اما اسلام انحصارگرا، غرب قانون‌گراست، اما اسلام پایبند به قانون نیست. این شکل از دوآلیسم مذهبی در سطح رسانه‌ها نیز به شکل گسترده‌ای به چشم می‌خورد.

۷. انگاره‌سازی رسانه‌ای در غرب؛ عاملی مهم در گسترش اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی

امروزه و در فضای جهانی شدن نقش رسانه‌ها در ذهنیت‌سازی افکار عمومی بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ در ذکرِ اهمیت رسانه همین بس که در اختیار داشتن رسانه خود مدیریت ذائقه جمعی است به سود صاحبان آن؛ (درخشه، ۱۳۹۱: ۲۹۰) رسانه‌ها به دلایلی همچون بازنمایی جهانِ پیرامون قادر هستند تا بر شناخت و درک عموم تأثیرات بی‌بدیلی را برجای نهاده و سبب تحول در ساختِ اجتماعی واقعیت گردند. در همین رابطه چنین اظهار گردیده است که بازنمایی رسانه‌ای نیز به‌نوبه خود شامل ارزش‌گذاری خبری، فشارهای پروپاگاندایی، تهییج، تقابل یا تحمیل معنا در قالب مجموعه‌ای از پیچیدگی‌های فنی و محتوایی است. (Watson & Hill, 2006: 248)

شایان ذکر است که یکی از ابعاد ایران‌هراسی که در رسانه‌های غربی به‌صورت مداوم بر آن تأکید می‌شود، تلاش برای تحریفِ ماهیتِ نظام جمهوری اسلامی ایران است (Gold, 2015: 6). پروژه ایران‌هراسی غربی با تحریف و سیاه‌نمایی وضعیت سیاسی ـ اجتماعی جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد تا با ارائه تصویری از شرایط کنونی، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان کشوری بَدوی، توسعه‌نیافته، ناقِض حقوق بشر به‌ویژه زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی، برای پذیرش و اِلقای سیاست‌های مقابله‌جویانه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران آماده نماید. (امینی و جاودانی‌مقدم، ۱۳۹۷: ۱۱۳) این پروژه به‌ویژه با بازسازی انحرافی تاریخ ایران در هالیوود و ساخت آثار سینمایی همچون: فیلم ۳۰۰، الکساندر، اورشلیم، بدون دخترم هرگز، پرسپولیس، سنگسار ثریا، گلاب و شمارش معکوس پیگیری شده است.

علاوه بر موارد مزبور فیلم «رُبوکاپ»[1] یا «پلیس آهنی» محصول سال ۲۰۱۴ / ۱۳۹۳، اوج نمایشِ پروپاگاندای امریکایی علیه جمهوری اسلامی ایران است. این فیلم که داستان آن در سال ۲۰۲۸ / ۱۴۰۷ اتفاق می‌افتد با این صحنه آغاز می‌شود که واشنگتن با کمک پلیس‌های آهنی تمام تهران را اشغال کرده است. در این فیلم، دولت ایران سرنگون شده است و تمامی نیروهای نظامی خلع سلاح شده‌اند. پلیس‌های آهنی، مردم تسلیم شده را به‌دلیل احتمال داشتن سلاح اتمی، بازرسی

1. Robo Cop.

و اِسکن می‌کنند. در این میان عملیات آزادی تهران زمانی با مشکل مواجه می‌شود که مـردم ایـران دست به حمله انتحاری علیه رُبات‌ها می‌زنند. همچنین داستان فیلمِ «تبدیل‌شوندگان ۳: سیاهی ماه»[1] نیز در خصوص تلاش برخی رُبات‌ها برای تسلط بر دنیای انسان‌هاست؛ بدین‌ترتیـب کـه رُبـات‌هـای هوشمند، در راستای سیاست خارجی امریکا، یکـی از تأسیسـات هسـته‌ای در غـرب آسـیا را منفجـر می‌کنند. با توجه به محتوای فیلم، این تأسیسات سایت هسته‌ای نطنز در ایران اسـت. در ایـن فـیلم مدام از لفظ غیرقانونی، برای تأسیسات هسته‌ای ایران استفاده شـده اسـت. (صـالحی نجـف‌آبـادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۵)

در مقام تحلیلِ محتوای رسـانه‌هـای غربـی بـه‌خصـوص هـالیوود بـه اظهـارنظر تأمـل برانگیـز سیاست‌مدار کهنه‌کار غربی استناد می‌کنیم. در همین رابطه «زیبیگنیو برژینسکی»[2] به الگـوی اصـلی ژئوپلیتیک در فرهنگ ایالات متحده اذعان کرده و به صراحت ابراز مـی‌دارد کـه حمـلات سـینمایی هالیوود به کشورهای دیگر ابعادی صرفاً سیاسی دارد و روزبه‌روز شباهتش به جنـگ واقعـی شـبیه‌تـر می‌شود؛ هم ارتش و هم سیاست‌مداران امریکا در این صنعت که نقاط مختلف کره زمین را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، حضور چشمگیری دارند. در ادامـه وی چنـین اظهـار داشـته اسـت کـه آنچـه بـیش از فیلم‌های هالیوودی اهمیت دارد و به سراسر دنیا صادر شده، «فرهنگ هالیوود»[3] اسـت. (مهـدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۰) در همین رابطه «رادنی مارتین»[4] کارمنـد سـابق کنگـره امریکـا در خصـوص تأثیرهـای فرهنگ هالیوود بر روی جامعه ایالات‌متحده چنین می‌گوید:

> اگر مردم ایالات متحده از همه تعاملات، معاملات و دادوستدهایی اطلاع داشتند که به نام آنها در زیرزمینِ چانـه‌زنـی سـازمان سـیا انجـام گرفتـه و مـی‌گیـرد تـا اهـداف و سیاست‌های این سازمان پیش برود، شوکه می‌شدند. (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۹۶)

شایان ذکر است که علاوه بر رسانه‌ها، بازی‌های رایانه‌ای نیز ازجمله ابزارهای رسانه‌ای غـرب در راستای ایران‌هراسی و اسلام‌ستیزی به‌شمار می‌روند. بـا مطالعـه و بررسـی مصـادیقی از بـازی‌هـای رایانه‌ای علیه جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران می‌توان این‌گونه استدلال کرد که بخشی از این بازی‌ها که با همان هدف قهرمان‌پـروری و توجیـه تجـاوز نظـامی بـه دیگـر کشورهاسـت، متوجـه کشورهای اسـلامی و عمـدتاً جمهـوری اسـلامی ایـران و کشـورهای همسـایه هسـتند؛ سـازندگان

1. Transformers 3: Dark Of The Moon.
2. Zbigniew Brzezinski.
3. Hollywood culture.
4. Rodney Martin.

بازی‌های پیش‌گفته کوشیده‌اند تا ضمن معرفی کشورهای مسلمان به‌عنوان نماد تروریسم، ایالات متحده را به‌عنوان یگانه منجی جهانیان از شرارتِ تروریست‌ها معرفی نماید. ازجمله مهم‌ترین بازی‌هایی که ساخته شده است می‌توان به بازی‌های: «آیین قاتل»،[1] «سام ماجراجو در پرسپولیس»، «IGI 2» و «ندای وظیفه»[2] اشاره کرد. (انوری، ۱۳۹۳: ۱۲۸ ـ ۱۲۵)

به‌طورکلی می‌توان دال‌های مرکزی گفتمان رسانه‌ای غرب علیه اسلام و جمهوری اسلامی را شامل مواردی همچون: نفی تأثیرپذیری قیام‌های کشورهای عربی از انقلاب اسلامی ایران و معرفی بیداری اسلامی به‌عنوان توهم ایران؛ متهم کردن ایران به اتخاذ راهبرد فتنه مذهبی برای تضعیف دولت‌های عربی منطقه؛ شبیه‌سازی جمهوری اسلامی ایران با نظام‌های دیکتاتوری ساقط‌شده منطقه؛ تحریک مخالفان برای انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران با الگوگیری از بهار عربی؛ ضرورت اتحاد دولت‌های عربی در برابر خطر ایران؛ شیعه‌هراسی؛ برجسته‌سازی الگوی حکومت‌داری کشورهای پاتریمونیال منطقه و منفورسازی الگوی حکومت‌داری ایران؛ ایران‌هراسی با دال‌های شناورِ سلطه جویی در منطقه؛ حمایت از تروریسم؛ مانعِ برقراری صلح و امنیت؛ تبعیض علیه اقلیت‌ها؛ تسلیحات هسته ای؛ نقض حقوق بشر توسط حکومت ایران، سپاه‌هراسی و اعتبارزدایی از بیانات مقامات جمهوری اسلامی دانست.

۸. اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی غربی در پرتو خشونت و تبعیض در حقوق شهروندی مسلمانان

طی سالیان اخیر خشونت علیه مسلمانان در کشورهای غربی رشد زیادی داشته است؛ نقض حقوق مسلمانان به‌ویژه در اروپا چه در قالب رسمی (بدرفتاری پلیس) و چه غیررسمی (حملات گروه‌های راست‌افراطی) در جریان است. این‌گونه اعمال با دستاویز تهدید بنیادگرایی اسلامی توجیه می‌شود. این‌گونه القا می‌شود که چون خود مسلمانان فاقد مدارا و مَدَنیت هستند، ازاین‌رو شایسته حقوق افراد آزاد نیستند. (شیرغلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۰۵)

«کریست آلن»[3] و «یورگن نیلسن»[4] دو تَن از محققان مسائل اسلام‌هراسی، طی گزارشی که در می۲۰۰۲ / اردیبهشت ۱۳۸۱ منتشر کردند و در خصوص واقعیت نگران‌کننده تشدید خشونت و تبعیض و تحقیر علیه مسلمانان هشدار دادند. بنا بر گزارش آنها میزان رفتارهای سوء کلامی، ایجاد

1. Assassins Creed.
2. Call of Duty.
3. Crist Alen.
4. Yorgen Nilsen.

مزاحمت و حرمت‌شکنی بسیار بیشتر از خشونت‌های مستقیم و عَلَنی بوده است؛ ایشان اظهار داشته‌اند که جماعت اسلام‌ستیز از روش‌هایی نظیر ایمیل‌های توهین‌آمیز، مزاحمت‌های تلفنی و نامه‌ها و پیام‌های موهِن و تهدیدآمیز به مقصد خانه‌ها، مساجد و اماکن فرهنگی اسلامی استفاده می‌کنند. (Allen & Nielsen, 2002: 83)

نکته قابل‌توجهی که در این بین باید مدنظر قرار گیرد آن است که در خصوص این‌گونه رفتارها پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۲۰ شهریور ۱۳۸۰، منبع آماری دقیق و جامعی وجود ندارد و نمی‌توان مقایسه دقیقی بین شرایط قبل و پس از ۱۱ سپتامبر به عمل آورد؛ اما واقعیت امر آن است که افزایش آنها کاملاً محسوس بوده است. شدت پدیده اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی به‌حدی بوده است که حتی برخی گروه‌هایی که ظاهری شبیه مسلمانان دارند (نظیر سیک‌های هندی) نیز در مَعرض رفتارهای اسلام‌ستیزانه قرار گرفته‌اند. بدرفتاری با زنان مُحَجبه یکی دیگر از نمودهای عمده اسلام‌هراسی است که آسیب‌پذیری بیشتر زنان در مقایسه با مردان را در جوامع غربی نشان می‌دهد. (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۰) البته سطح تبعیض‌های اِعمالی به همین موارد ختم نشده و در گستره‌ای فراخ‌تر مواردی همچون تبعیض در دادرسی و اقدامات خشونت‌بار پلیس و نیروهای امنیتی علیه مسلمانان را نیز شامل می‌شود.

تبعیض در دادرسی، بیشتر به شکلی همچون تحریم بروز می‌کند؛ درواقع شهروندانِ مسلمان از امتیازهایی که شهروندان دیگر بهره‌مند هستند، به‌نوعی مستثنی واقع می‌شوند. (Lambert & Mazer, 2011: 135) اما در رابطه با اقدامات پلیس و نیروهای امنیتی باید اذعان داشت که طی سالیان اخیر، به‌دنبال تصویب قوانین مختلف در جهت مبارزه با تروریسم، سخت‌گیری نیروهای امنیتی در خصوص مسلمانان افزایش چشمگیری یافته است؛ به‌نحوی‌که در برخورد نیروهای امنیتی برای جستجوی افرادِ مظنونِ به اَعمال تروریستی، اغلب مسلمانان مورد اتهام قرار می‌گیرند و این امر موجب دستگیری‌های گسترده‌ای در میان مسلمانان شده است؛ این امر در حالی اتفاق می‌افتد که اغلب پس از بازپرسی، مشخص می‌شود که بیشتر افراد دستگیرشده، بی‌گناه بوده و به اشتباه در مَظان اتهام قرار گرفته‌اند. (Yurdakul & Korteweg, 2013: 204) البته این مشکل مختص به کشور و یا مکان خاصی نیست. به‌عنوان مثال می‌توان در انگلیس به تنش میان مسلمانان و غیرمسلمانان پس از بمب‌گذاری‌های سال ۲۰۰۵ / ۱۳۸۴ لندن اشاره کرد که در پی آن اقدامات خشونت‌آمیزِ پلیس در برخی مناطق مسلمان‌نشین و اعلام تصمیم دولت برای اتخاذ قوانین جدید ضدترور، نگرانی و خشم جامعه مسلمانِ انگلیس را برانگیخت. در همین رابطه و در ۱۱ اوت ۲۰۰۵ / ۲۰ مرداد ۱۳۸۴ یعنی

کمی بیش از یک ماه پس از بمب‌گذاری‌ها، «چارلز کُلارک»[1] وزیر کشور انگلیس اعلام نمود که ۱۰ تَن از مسلمانان که به‌عنوان تهدید علیه امنیت ملی شناخته شده‌اند از کشور اخراج می‌گردند. (Doving, 2010: 86)

با عنایت به مطالبی که از نظر گذشت، در نگاهی کلی عمده اقدامات ایران‌هراسانه و اسلام‌هراسانه کشورهای غربی را می‌توان در نوع دیدگاه‌شان در قبال فرهنگ و ارزش‌های برخواسته از انقلاب اسلامی خلاصه کرد. فرهنگ اسلامی به‌عنوان مجموعه‌ای از عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، الگوها و شیوه‌های عمل است که منبعث از شریعت اسلام است. (میرمحمدصادقی و حاجی‌مینه، ۱۳۹۷: ۱۳۵) منابعی که ذکرشان رفت به‌عنوان مؤلفه‌های قدرت ایرانی ـ اسلامی ریشه در فرهنگ اسلامی دارند و اینکه غربی‌ها کوشیده‌اند تا در راستای ایجاد ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی فرهنگی بر مؤلفه‌های مزبور تأکید ورزند. توضیح مطلب اینکه یکی از غنی‌ترین منابع مولّد قدرت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، عامل اسلامی بودن و تکیه بر آموزه‌های اسلامی است. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) ایده‌ای کاملاً پذیرفته‌شده در سراسر دنیا بود. شدت سیطره تفکر سکولاریستی و عاری انگاشتن دین از هرگونه کارکرد سیاسی و اجتماعی به‌حدی بود که حتی در کشورهای اسلامی نیز گروه‌های مبارز مسلمان حرکت‌های مبارزاتی خود را اغلب با الهام از اندیشه‌های ملی‌گرایانه، سوسیالیستی یا کمونیستی انجام می‌دادند. (بیگی، ۱۳۸۹: ۱۸۳) بنابراین جمهوری اسلامی ایران با الهام از آموزه‌های اسلام به‌عنوان دین کامل اجتماعی و سیاسی توانست بدون استمداد از نظریه‌های غربی و شرقی رایج، حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی بنا نهد و در مقابل شرق و غرب قد علم کند.

عامل دیگری که می‌توان از آن به‌عنوان عامل رقابت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و غرب نام برد مقوله استقلال‌طلبی، استکبارستیزی و مقاومت ایرانیان در برابر سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ است که در زمره بنیادی‌ترین ارزش‌های انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آیند و در ارتباط تنگاتنگ با ارزش‌های دیگری همچون آزادی، عدالت، جهاد، ایثار و شهادت منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی را هویت و معنا بخشیده‌اند. (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۴) مقوله دیگر حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان است که یکی دیگر ارزش‌های ماهوی انقلاب اسلامی است که موجب ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران شده است. انقلاب اسلامی از بَدو شکل‌گیری خود با صفت حامی مستضعفان مشهور شد و پیشتیبانی معنوی از تمامی ملت‌های مظلوم را به‌عنوان یک ارزش سیاسی برای خود تعریف

1. Charlz Colarek.

کرد. (سیمبر، ۱۳۹۶: ۴۹) بنابراین می‌توان چنین اظهار داشت که غرب در راستای ردگیری پروژه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی فرهنگی، از دیرباز کوشیده است تا بر مؤلفه‌های ایرانی ـ اسلامی تأکید ورزد و از آنها به‌عنوان اهرم فشاری بر جمهوری اسلامی ایران بهره‌جویی نماید.

نتیجه

اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی ازجمله راهبردی‌ترین موضوعات جهان غرب است که از دیرباز کوشیده است تا با ایجاد نوعی ذهنیت منفی نسبت به اسلام و مسلمانان در افکار عمومی جهانیان، این دین الهی و پیروان آن را بدوی، به دور از تمدن، جنگ‌افروز، غرب‌ستیز، سطحی‌نگر و خطرناک معرفی نماید. گرچه پدیده مزبور ریشه در نخستین برخوردهای جهان اسلام با مسیحیت دارد، اما به‌واقع باید توجه داشت که در این بین عواملی همچون مُستَشرِقین غربی، جنگ‌های صلیبی، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۹۱ / ۱۳۷۰، حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ و همچنین روی کار آمدن نومحافظه‌کاران در ایالات متحده نقش بی‌بدیلی را در این زمینه احراز نموده‌اند. در همین رابطه و ازآنجایی‌که فهمِ دستگاه فکری اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در تمام ابعاد و به‌ویژه بُعد فرهنگی آن نیازمند توجه به هنجارها و ادراکاتِ بازتولیدشده در متن آن، نه به‌عنوان اولویت بلکه به‌عنوان ضرورتی که نیازمند اتخاذ رویکردی شناختی و عمیق است که به‌واسطه آن بتوان کُنشی ایجابی را در مقابله با چنین پدیده‌ای ارائه کرد، در پژوهش حاضر کوشش شد تا با تأسی از مفروضات نظری تئوری تحلیلِ گفتمانِ لاکلائو و موفه نیک مشخص گردد که هژمونیک شدن اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در بُعد فرهنگی به‌شدت متأثر از گفتمانی است که جریان‌های سیاسی در غرب و به‌ویژه ایالات متحده به‌وجود آورده‌اند. در همین رابطه نمودهای عینی اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی فرهنگی در سه سطح دولت، رسانه و فضای عمومی جامعه به شکل تبعیض در حقوق شهروندی و ارائه خدمات اجتماعی موردبررسی و مداقه قرار گرفته شد. نکته قابل‌توجهی که از رهگذر تبیینِ سه سطحی انجام‌شده به دست آمد این است که هریک از سطوح مزبور با انجام کارویژه‌های خاصِ خود از قبیل: تبعیض و محرومیت نسبی مسلمانان در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و حقوق شهروندی (آموزش، بهداشت و تابعیت)؛ ایجاد نِفرت و تولید خشونت نسبت به مسلمانان؛ هضم جوامع مسلمان در فرهنگِ مسلط غربی و حرکت در جهت جدا کردن دین و سیاست در آنها؛ واپایش و هویت‌زدایی مسلمانان ساکن در غرب؛ بی‌احترامی نسبت به ارزش‌ها و مقدسات مسلمان‌ها (قرآن‌سوزی)؛ فعالیت‌های رسانه‌ای در حوزه جهان اسلام به‌مثابه جنگ رسانه‌ای و همچنین ایجاد اتاق فکرهای

گوناگون، درواقع به نوعی تقویت‌کننده یکدیگر بوده و بر دامنه موج اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی افزوده‌اند. متأثر از مطالبی که از نظر گذشت، در ادامه کوشش شده است تا در مقام راهکار، چند پیشنهاد کاربردی ارائه گردد:

۱. در سطح دولت می‌طلبد که وزارت امورخارجه اقدامات فعالانه تری را نسبت به قبل در پیش گیرد؛ در همین راستا سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ایران می‌توانند ضمن دعوت از نخبگان و اندیشمندان غربی به فعال‌سازی بیش‌ازپیشِ مراکز اسلامی در شهرهای مهم اروپایی ازجمله لندن و هامبورگ در جهت ارائه تصویر صحیح از اسلام و آموزه‌های تمدن‌ساز آن مبادرت ورزند.

۲. گرچه از دیرباز دولت‌ها مهم‌ترین کنشگران عرصه سیاست بین‌الملل بوده‌اند؛ اما به‌واقع باید توجه داشت که در قرن ۲۱ سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی (NGO) جایگاه مهمی را در تنظیم روابط بین‌الدُولی و تعامل فرهنگی بر عهده گرفته‌اند؛ ازاین‌رو ضروری می‌نماید تا کارگزاران جمهوری اسلامی ایران با ایجاد مجامع و سازمان‌های غیردولتی در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امکان رایزنی‌های فرهنگی سازنده‌ای را برای آشنایی هرچه بیشتر اندیشمندان و نخبگان شاخص دیگر دولت‌ها با فرهنگ اسلامی و ایرانی فرآهم آورند.

۳. صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند در جهت مقابله با جریانات اسلام‌هراسانه و ایران‌هراسانه نقش فعال‌تری را ایفا نماید؛ به‌نحوی‌که ضمن همکاری با دیگر اُرگان‌های دولتی همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تولید آثارِ فاخرِ هنری در خصوص شخصیت والای پیامبر گرامی اسلامﷺ، تاریخ اسلام و استعمار کشورهای اسلامی توسط ممالک غربی مبادرت ورزند. همچنین می‌توانند با جذب مجریان و کارشناسان زُبده و برگزاری میزگردهایی با حضور اسلام‌شناسان شرقی و غربی در شبکه‌های برون‌مرزی «پِرِس تی‌وی» و «العالم»، ضمن نقد کتب و مقالاتی که از جانب اتاق فکرهای غربی منتشر می‌شوند، رویکرد منحرفانه این بنیادها را به چالش کشانده و به دنبال آن سیمای حقیقی اسلام را به جهانیان معرفی کنند.

منابع و مآخذ

۱. آجیلی، هادی، قاسمی، روح‌الله، ۱۳۹٤، «نقش اتاق‌های فکر ایالات متحده و انگلستان در ترویج راهبرد اسلام‌هراسی (رویکرد تحلیل گفتمان)»، ***فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج***، سال هجدهم، ش ٦٦، ص ۱۵۳ ـ ۱۲۵.

۲. امیدی، علی، احمدی‌نژاد، حمید، ۱۳۹۷، «غیریت‌سازی خاکستری در شاهنامه فردوسی براساس

نظریه گفتمان لاکلائو و موفه»، ***فصلنامه مطالعات ملی***، سال نوزدهم، ش ۲، ص ٤۲ ـ ۲۳.

۳. امینی، علیرضا، جاودانی‌مقدم، مهدی، ۱۳۹۷، «تحلیلی بر دیالکتیک سوبژه و ابژه در شکل‌گیری ایران‌هراسی پس از انقلاب اسلامی»، ***فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی***، سال دوازدهم، ش ٤٤، ص ۱۲۰ ـ ۱۰۱.

٤. انوری، محمدرضا، ۱۳۹۳، «بازی‌های رایانه‌ای؛ رسانه‌ای خاموش در جنگ نرم مصادیق و راهکارها»، ***فصلنامه معرفت***، سال بیست و سوم، ش ۱۹۸، ص ۱۲۹ ـ ۱۱۱.

۵. بیگی، مهدی، ۱۳۸۹، ***قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران***، تهران، نشر دانشگاه امام صادق‌ﷺ، چ سوم.

٦. جمال‌زاده، ناصر، ۱۳۹۱، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب»، ***فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی***، ش ٤.

۷. حسینی‌زاده، محمدعلی، ۱۳۸٦، ***اسلام سیاسی در ایران***، قم، انتشارات دانشگاه مفید.

۸. خداپرست، یونس، اندرزیان، امراله، ۱۳۹۷، «افول هژمونی امریکا و چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران»، ***فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی***، سال پانزدهم، ش ۵۵.

۹. خواجه سروی، غلامرضا، رحمنی، مریم، ۱۳۹۲، «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان»، ***فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی***، سال دوم، ش ٦.

۱۰. دارا، جلیل، کرمی، مصطفی، ۱۳۹۲، «آزاداندیشی در گفتمان انقلاب اسلامی»، ***فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی***، سال دوم، ش ٦.

۱۱. درخشه، جلال، ۱۳۹۱، ابعاد و اسلام‌هراسی در بریتانیا پس از ۱۱ سپتامبر، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، ش ۲، ص ۲۹۸ ـ ۲۷۵.

۱۲. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۹۲، ***اسلام‌هراسی در غرب: جنگ سرد جدید فرهنگی علیه مسلمانان در امریکا و انگلیس***، مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین‌المللی المهدی.

۱۳. سلطانی، علی اصغر، ۱۳۹۱، ***قدرت، گفتمان و زبان؛ ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی***، تهران، نشر نی.

۱٤. سیمبر، رضا، ۱۳۹٦، «انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی: از نظریه تا عمل»، ***فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام***، ش ۱٤.

۱۵. شیرغلامی، خلیل، ۱۳۹۰، «اسلام هراسی و اسلام ستیزی ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر»، ***فصلنامه سیاست خارجی***، ش ٤، ص ۱۰۲۲ ـ ۹۹٦.

۱۶. شیرودی، مرتضی، ۱۳۹۰، «نقش رسانه‌های غرب در برابر گسترش اسلام در غرب»، ***سخن تاریخ***، ش ۱٤، ص ۱۷۹ ـ ۱۳۷.

۱۷. صادقی فسایی، سهیلا، روزخوش، محمد، ۱۳۹۲، «نکاتی تحلیلی و روش شناختی درباره تحلیل گفتمان (با نگاهی به پژوهش‌های ایران)»، ***مجله مطالعات اجتماعی ایران***، دوره ۷، ش ٤، ص ۲۹ ـ ٤.

۱۸. صالحی نجف‌آبادی، عباس، خسروی، بهنام، صانعی، راضیه، ۱۳۹٤، «بررسی دلایل هژمونیک شدن گفتمان ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی براساس نظریه لاکلائو و موفه»، ***فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام***، سال پنجم، ش ۲، ص ۲۰۹ ـ ۱۸۵.

۱۹. صباغیان، علی، خاکسار، علی محمد، ۱۳۹۵، «نمودهای اجتماعی اسلام‌هراسی و اسلام ستیزی در انگلستان»، ***دو فصلنامه جامعه‌شناسی جهان اسلام***، دوره ٤، ش ۱، ص ۱۵۷ ـ ۱۳۳.

۲۰. علی پور، جواد، مجردی، سعید، حیات مقدم، امیر؛ علیزاده، علی، جُنیدی، رضا، ۱۳۹۷، «راهبردهای پیشگیری و مقابله با اسلام هراسی»، ***فصلنامه راهبرد دفاعی***، سال شانزدهم، ش ٦۳، ص ۱۲۱ ـ ۹۵.

۲۱. علیزاده، زهرا، اعتمادی‌فرد، اعظم، طباطبایی، میناسادات، ۱۳۹۷، «بررسی پدیده اسلام‌هراسی و راهکارهای قرآنی مقابله با آن»، ***فصلنامه مطالعات قرآنی***، سال نهم، ش ۳٦، ص ٤۰٦ ـ ۳۷۹.

۲۲. عیوضی، محمدرحیم، فلاح حسینی، مهسا، ۱۳۹٦، «اسلام‌هراسی و سناریوهای پیش‌روی آن»، ***فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام***، سال ششم، ش ۲۳، ص ۹۲ ـ ۷۵.

۲۳. فلاحی، سارا، ۱۳۹٤، «شبکه‌های ماهواره‌ای و تلاش برای شکست گفتمان انقلاب اسلامی»، ***فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی***، سال دوازدهم، ش ٤۱.

۲٤. قاسمیان، محمدرضا، موسوی‌فر، رضیه، ضیایی پرور، حمید، ۱۳۹۷، «بررسی نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از انقلاب اسلامی ایران»، ***دو فصلنامه رسانه و فرهنگ***، سال هشتم، ش ۱، ص ۱۹۷ ـ ۱۷۳.

۲۵. قنبرلو، عبدالله، ۱۳۸۹، «۱۱ سپتامبر و گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب»، ***جستارهای سیاسی معاصر***، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، ش ۲، ص ۱۲۲ ـ ۱۰۳.

۲٦. کسرایی، محمدسالار، پوزش شیرازی، علی، ۱۳۹۰، «تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از نظریات لاکلائو و موفه»، ***فصلنامه سیاست***، دوره ٤۱، ش ٤٦.

۲۷. کیوان حسینی، سیداصغر، محمدی کیا، طیبه، ۱۳۹۶، «مفهوم دولت در گفتمان داعش (دولت سلفی داعش: تحقق ناکام یک نظریه آلترناتیو)»، ***فصلنامه دولت پژوهی***، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، ش ۹، ص ۱۵۶ ـ ۱۲۱.

۲۸. مشهودی، علی؛ فلاح نژاد، علی؛ فلاح، محمد، ۱۳۹۷، «تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان»، ***فصلنامه مطالعات سیاسی***، سال دهم، ش ۴۰.

۲۹. مهدی‌زاده، سیدمحمد، ۱۳۸۷، ***رسانه‌ها و بازنمایی***، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

۳۰. میرمحمدصادقی، سیدمهدی و حاجی‌مینه، رحمت، ۱۳۹۷، «تبیین دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال ایران هراسی»، ***فصلنامه مطالعات میان فرهنگی***، سال سیزدهم، ش ۳۶.

۳۱. ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۸۸، «مبانی و ریشه‌های تاریخی اسلام‌هراسی غرب: بررسی موردی جنگ‌های صلیبی»، ***مطالعات تاریخ اسلام***، سال اول، ش ۲، ص ۱۳۵ ـ ۱۲۲.

۳۲. ناظمی اردکانی، مهدی، خالدیان، صفرعلی، ۱۳۹۷، «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام»، ***فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام***، سال هفتم، ش ۲، ص ۸۶ ـ ۵۹.

۳۳. نِش، کیت، ۱۳۸۴، ***جامعه‌شناسی سیاسی معاصر***، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر.

34. Allen Chris & Nielsen, Jorgen, 2002, "***Summary Report on Islamophobia in The EU After 11 September 2001***", Vienna: European Monitoring Center on Racism & Xenophobia.
35. Allen, Chris, 2010, "***An Overview Of Key Islamophobia Research***", National Association Of Muslim Police.
36. Bill, James. A, 2001, "***The Politics Of Hegemony: The United States & Iran***", Middle East Policy.
37. Dabirimehr, Amir & Tabatabaei Fatmi, Malihe, 2014, "Laclau & Muffes Theory of Discourse", ***Journal of Novel Applied Sciences***.
38. Doving, CoraAlexa (2010): Anti – Semitismand Islam ophibia: A Comparison of Imposed Group Identities "Donsk Tidsskrift for Islam for skning, nr. 20.
39. Edwards, Milton, 2020, the quest for a new perspective, Interpreting Islam, 32.
40. Faimau, Gabriel, 2015, "***The Conflictual Model Of Analysis in Studies on The Media Representation of Islam & Muslims: A Critical Review***", Sociology Compass.
41. Gold, Dore, 2015, "***Iran's Hegemonic Drive & The Nuclear Talks, Friends Of Israel Initiative***".
42. Hass. R & Indyk. M, 2009, "***Restoring The Balance: A Middle East Strategy For The Next President***", Washington D. C: Brookings Institution Press.
43. Hossein, Dilwar, 2004, "***The Impact Of 9/11 on British Muslim Identity in Islam & the West: A Post September 11***".
44. Laclau, E, 1990, "***New Reflection on the Revolution of our Time***", London: Verso.

45. Laclau, E, 2002, "***Recasting Marxism***", London: Routledge.
46. Laclau, Ernesto & Mouffe. C, 2002, "***Recasting Marxism in James Martin: Antonio Gramsci***", Assessment if Leading Political Philosophers.
47. Laclau, Ernesto, 1990, "***New Reflections on The Revolutions of Our Time***", London: Verso.
48. Makarky Irene Rima (1993), Ency Clopedia of Contemporary Literary Theory: Approaches, Schorars, Terms, University of Toronto press.
49. Marranci, Gabriele, 2004, "***Multiculturalism, Islam & The Clash of Civilisation Theory: Rethinking Islamophobia***", Culture & Religion.
50. Mills. T & Griffin. T & Miller. D, 2001, "***The Cold War On British Muslims***", UK: Public Interest Investigation.
51. Nakhleh, Emile. A, 2009, "***A Necessary Engagement: Reinventing America's Relations With The Muslim World***", Princeton University Press.
52. Richardson. R, 2009, "***Islamophobia Or Anti-Muslim Racism-Or What? Concepts & Terms Revisited***", Retrieved From www.Insted.co.
53. Watson, J & Hill, A, 2006, "***Dictionary Of Media & Communication Studies***", 7 th Edition, Hodder Arnold Publication.
54. Wood, David, 2012, "***US, Iran Poised For Mine Warfare In The Persian Gulf***".
55. Yurdakul, Gokce & Korteweg, Anna. C, 2013, "***Gender Equality & Immigrant Integration: Honor Killing & Forced Marriage Debates in The Netherlands, Germany & Britain***", Londen: Women's Studies International Forum.